

متن پرسش

سلام علیکم! چند سوال در مورد رزق و روزی داشتم: ۱- فرض کنید کسی بتواند مهم و اهم رو کامل تشخیص دهد. حالا اگر در شرایط نابسامان اقتصادی خانواده‌اش، و در حالی که دارد کارِ اهم رو انجام میدهد، کارِ مهمی به او پیشنهاد بشود اما با اجرِ مادی خیلی خیلی بالاتر. حالا اگر این بنده خدا دست از کارِ اهم بزند و به کارِ مهم بپردازد تا وضع معیشت خانواده‌اش بهبود پیدا کند. آیا چنین شخصی به رزاقیت خداوند شک کرده است یا خیر؟! آیا این تغییر کار این شخص مطابق موازین دینی صحیح است یا خیر؟! ۲- در مورد سوال بالا حدیث قدسی داریم که «صَمِنْتُ لِأَهْلِ الْعِلْمِ أَرْزَاقَهُمْ» (البته این حدیث در کتاب رزق شما نیز بود اما شما منبعی برای آن ذکر نکرده بودید. بنده نیز هر چه گشتم منبع را پیدا نکردم. اگر منبع را لطف کنید ممنون می‌شوم.) خب دیگر اهل علم هم باشیم که دیگر نور علی نور. من از این حدیث اینطور برداشت کردم که حتا اگر کارمان، کفایت زندگی را نمی‌دهد، و مطمئن هستیم که داریم وظیفه‌مان را انجام می‌دهیم، نباید تغییر مسیر بدهیم. بلکه ما مأموریم به وظیفه، رزق را هم توکل می‌کنیم به خدا. آیا این برداشت، صحیح است؟ ۳- باز در مورد سوال اول امیرالمومنین ع می‌فرمایند «قَدْ تَكْفَلَ لَكُمْ بِالرِّزْقِ وَ أَمَرْتُمْ بِالْعَمَلِ فَلَا يَكُونَنَّ الْمَضْمُونُ لَكُمْ طَلَبُهُ أَوْلَى بِكُمْ مِنَ الْمَفْرُوضِ عَلَيْكُمْ عَمَلُهُ مَعَ أَنَّهُ وَ اللَّهُ لَقَدْ اغْتَرَضَ الشُّكَّ وَ [دَخَلَ] دَخَلَ الْيَقِينِ حَتَّى كَأَنَّ الَّذِي ضَمِنَ لَكُمْ قَدْ فُرِضَ عَلَيْكُمْ وَ كَأَنَّ الَّذِي قَدْ فُرِضَ عَلَيْكُمْ قَدْ [وَضِعَ] وَضِعَ عَنْكُمْ فَبَادِرُوا الْعَمَلَ وَ خَافُوا بَعْتَهُ الْأَجَلَ» (نهج البلاغه خطبه ۱۱۴) در این زمینه هم سؤال‌ام این است که وقتی خداوند روزی ما را ضمانت کرده‌اند، مطمئن هم هستیم که خداوند روزی می‌دهد، خب دیگر این که آدم کارِ اهم را کنار بگذارد و به کارِ مهم بپردازد تا کفاف زندگی‌اش را بدهد و به اهل و عیال اجحاف نشود، آیا این شک به رزاق بودن خداوند نیست؟ ۴- متن حدیث یادم نیست اما یادم هست چنین برداشت می‌کردم که انسان نمی‌تواند از طریق دین کسب روزی کند. لطف کنید این موضوع را بیشتر توضیح دهید. مثلاً آیا روحانیون می‌توانند برای تأمین معاش خود، یکی-دو نوبت در مدارس و مساجد نماز بخوانند تا حقوق‌شان بیشتر شود؟ آیا چنین کاری ایراد دارد؟ همچنین کسی که به خاطر تنگی معاش، منبر برود و ...؟ ۵- آیا اساساً کسی که به جای این که ببیند جائی که در آن کار می‌کند ورودی‌اش چیست، خروجی‌اش چیست و چه جایگاهی در جامعه اسلامی دارد و ... به این نگاه کند که چقدر حقوق می‌دهند، آیا چنین کسی باز هم کاری که می‌کند مصداق عبادت است؟ آیا چنین کسی مصداق حدیثی که در ادامه می‌آید هست یا خیر؟ (با این پیشفرض که چنین فردی، تنها دغدغه‌اش تأمین معاش همسر و فرزندان‌اش است، همچنین این حدیث را هم در نظر بگیرید: «الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ التَّفَقُّهُ فِي

الدِّينِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَ تَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ.» (اصولا این حدیث یعنی چه؟! ۶- آیا این به این طرز تفکر بنده ایراد وارد است یا نه؟: «بنده به هر کاری راضی نمی‌شوم - مثلاً اگر پدرم بگوید باید بیایی کنار دست من در مغازه، رسم و راه کارکردن (فروشنده‌گی) را یادگیری، من به اون جواب می‌دهم، نه پدر من به این کارها علاقه‌ای ندارم، من باید درس بخوانم، من می‌خواهم از نتیجه همان درس‌هایی که در دانشگاه می‌خوانم، کسب درآمد داشته باشم. - مثال دیگر اگر شرکتی پیدا شود که حقوق بالایی داشته باشد و من هم شرایط کار در آن شرکت را داشته باشم، اما اگر ببینم که اهداف مدیران آن شرکت فقط کسب منفعت و سود بیشتر است، و اگر خدمتی هم به جامعه انجام می‌دهند در همین راستا است، به هیچ وجه حاضر نمی‌شوم که در آن شرکت مشغول به کار شوم، حتا اگر از نظر مالی خود و خانواده‌ام در تنگنا قرار گیرند. - یا مثلاً اگر در برهه‌ای از زمان، از نظر مالی در تنگنا قرار بگیرم، حاضر نیستم دست به کارهای عملگی، مسافرکشی و ... بزنم، نه این که این کارها را در شأن یک تحصیل‌کرده ندانم، نه مسئله نیست، احساس می‌کنم رسالت من این است که در عرصه فرهنگی وارد بازار کار شوم و از این رو، نگران تضییع عمرم هستم، نمی‌خواهم عمرم بیهوده تلف شود» ۷- آیا در انتخاب کار باید به استعداد و علایق شخصی نیز توجه کرد یا باید دید احتیاج نظام اسلامی در چه زمینه ای است؟! ۸- اگر بتوانید در مورد این حدیث نیز توضیح دهید ممنون می‌شوم. البته عبارت آخر حدیث مد نظرم است چون به نظر می‌رسد مثال نقض زیادی داشته باشد: «وَلْيَكُنْ نَفَقَتَكَ عَلَى نَفْسِكَ وَ عِيَالِكَ قَضَاءً فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ وَالْعَفْوُ الْوَسْطُ وَ قَالَ اللَّهُ وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتَرُوا إِلَىٰ آخِرِهِ. وَ قَالَ الْعَالِمُ: صَمِنْتُ لِمَنْ اقْتَصَدَ أَنْ لَا يَفْتَقِرَ»

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: فکر می‌کنم موضوع مهم و مهم برای یک مسلمان و با توجه به سخن حضرت علی «علیه‌السلام» که مطرح فرموده‌اید آن است که مهم انسان باید آبادانی قیامتش باشد ولی از تلاش اقتصادی جهت رونق امور مسلمین باز نایستد همان‌طور که حضرت نخلستان درست می‌کردند. از طرفی زندگی را برای همسر و فرزند و حتی والدین آسان کردن به خودی خود یک نوع آبادانی قیامت است □ به شرطی که از مرز اعتدال به اسراف کشیده نشود □ گاهی خداوند رزق بعضی را در کاری قرار داده تا با انجام آن کار مردم به نتیجه‌ی لازم برسند و در ضمن آن افراد نیز به رزق خود دست یابند مثل نماز و منبر برای روحانیون. آنچه کراهت دارد آن است که یک روحانی شرط کند اگر این مقدار پول ندهید نماز و منبر را نمی‌پذیرم و این غیر از آن است که مردم در عین دعوت روحانی وظیفه دارند حقوق او را رعایت کنند. تقدیر معیشت یعنی انضباط در خرج کردن به طوری که نه اسراف کند و نه تنگ بگیرد و بخل بورزد. مسلم کار هرچه پاک‌تر باشد و در عین فضای دینی وسیله‌ی رزق حلال می‌شود بهتر است. مواظب باشید که به مسیر رزق خود پشت نکنید اگر مسیر رزق شما حضور در مغازه‌ی پدرتان است به آن پشت نکنید چون می‌شود در عین تلاش در بازار کار فرهنگی هم کرد. در جواب قسمت هفتم سؤال باید عرض کنم هر دو، ولی نیاز نظام اسلامی اولویت دارد. ۸- فکر می‌کنم در

کتاب رزق قسمت آخر حدیث با روایات مختلف روشن شده که حقیقتاً ظرفیت نظام عالم آن است که در میانه روی فقری پیش نمی‌آید. در ضمن حدیث «ضمنتُ لاهل العلم ارزاقهم» را از فرمایشات آیت‌الله بهجت «رحمة الله علیه» گرفتم ولی فکر می‌کنم اگر جستجو کنیم سند آن را پیدا کنیم. موفق باشید